توصیه بازپرسی که حدود ۳۰۰ پرونده قتل رسیدگی کرده

به بچه‌هایمان مهارت کنترل خشم و صبر بیاموزیم


عکس: سجاد صفری/ایران
قاضی محمد تقی شعبانی

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ پشت هر پرونده قتل، روایتی تلخ از خشم، لحظه‌ای تصمیم اشتباه و پایانی جبران‌ناپذیر پنهان است؛ روایت‌هایی که بازپرس و پلیس را نه تنها با چالشی بزرگ، بلکه گاه با عمیق‌ترین زخم‌های انسانی روبه‌رو می‌کند. اما برگ برگ این پرونده‌ها برای آنها که به دنبال کشف حقیقت هستند و شاهد تلخ‌ترین لحظات زندگی انسان‌ها بوده‌اند یک پیام روشن دارد: «گاهی تنها چند لحظه خویشتن‌داری می‌تواند مانع از یک فرجام شوم شود.»

این جمله را بازپرس محمد تقی شعبانی، بازپرس سابق دادسرای امور جنایی تهران می‌گوید. کسی که سال‌ها با پرونده‌های جنایی و قضایی سرو کار داشته و از هر پرونده تجربه‌ای اندوخته و پندی آموخته است که ثمره آن در همین جمله آشکار است: «سعه صدر داشته باشیم و هرگز هنگام عصبانیت تصمیمی نگیریم تا پشیمان نشویم.»

بازپرس شعبانی درباره ویژگی‌های یک قاضی برای رسیدگی به پرونده‌های قتل می‌گوید: «بازپرس ویژه قتل هم مانند بازپرس دادسرای عمومی، اقتصادی، کارکنان دولت و... است. فقط باید یک سری معیارهای شخصی داشته باشد مثل علاقه‌مندی به این کار چرا که وقت بیشتری از قاضی می‌گیرد و همچنین تجربه و سوابق کاری باید داشته باشد تا از سوی مسئولان رده بالاتر به عنوان بازپرس ویژه قتل انتخاب شود. علاوه بر پرونده‌های قتل، پرونده‌های فوت مشکوک، فوت‌هایی که در بیمارستان‌ها یا در خانه که پزشک نمی‌تواند به دلایلی جواز دفن صادر کند، تشخیص بین خودکشی و قتل که البته خیلی سخت است و در مجموع در مورد مرگ‌های مشکوک در خانه یا محل کار، خودکشی و فوت‌هایی که در زندان اتفاق می‌افتد و... بازپرس ویژه قتل دستور می‌دهد.

در این مدت به پرونده مرگ کودکی رسیدگی کرده‌اید؟

در این سال‌ها از میان ۲۷۴ پرونده قتلی که رسیدگی کردم دو یا سه پرونده مربوط به فوت کودک بود. وقتی کودکی فوت کرده باشد به نظر همه ما مشکوک است چون کودک نباید به شکل مشکوک فوت کند مگر اینکه ناشی از برق گرفتگی، تصادف، سانحه یا جنایی باشد به همین دلیل در رسیدگی به پرونده کودکان حساسیت بسیار بیشتری وجود دارد.

یک خاطره دارم از این پرونده‌ها که مردی خیلی بچه دوست داشت در واقع بچه‌اش را می‌پرستید. از همسر اولش به خاطر اینکه بچه‌دار نمی‌شد جدا شده بود. بعد از ازدواج دومش، خداوند به او پسری داده بود و او عاشق این بچه بود اما چون همسرش را اذیت می‌کرد و کتک می‌زد همسرش در اقدامی هولناک و عجیب برای انتقام از شوهرش، بچه‌اش را خفه کرده بود. بعد از این اتفاق از طریق ترمینال شرق رفته بود مازندران. وقتی شوهر به خانه آمد و دید زن و بچه‌اش نیستند شکایت کرد. روز سوم از فوت این بچه، این خانم به کنار دریا رفته بود و گودالی حفر کرده تا بچه را داخل گودال دفن کند که مردم متوجه شدند و به پلیس خبر دادند و راز این جنایت لو رفت.

وقتی شوهرش فهمید چه کار کرد؟

چون شکایت از تهران ثبت شده بود پرونده را به تهران فرستادند و دستور دادیم جسد به پزشکی قانونی برود، اعلام کردند که علت مرگ خفگی است. ابتدا تصور کردیم که بچه را به دریا برده و در آنجا بچه غرق شده است. اما پزشکی قانونی اعلام کرد که خفگی ناشی از غرق‌شدگی در دریا و حادثه نیست بلکه جنایی است. از زن جوان سؤال کردیم و او اعتراف کرد به خاطر اختلافی که با همسرم داشتم، بچه‌ام را کشتم. این در حالی بود که این خانم بسیار پشیمان و ناراحت بود. همسرش نیز در بهت و حیرت بود و روزهای اول بسیار عصبانی بود و هر روز جلوی دفتر من بود که چرا اعدامش نمی‌کنید، او بچه‌ام را کشته است. بعد از یک مدت که پرونده آماده ارسال به دادگاه بود نزد من آمد و گفت مجازات همسرم چیست؟ گفتیم چون مرتکب قتل شده، می‌توانید قصاص کنید. اما گفت چه کار کنم که آزاد شود؟ گفتم شما که دنبال اعدامش بودید چه شد که می‌خواهی آزاد شود؟ پاسخ داد من بچه خیلی دوست دارم ولی نمی‌توانم دوباره ازدواج کنم. می‌خواهم دوباره با همین خانم زندگی کنم و صاحب فرزند شوم. وقتی همسرش را آوردیم و موضوع را گفتیم خانم مخالفت کرد و گفت من نمی‌توانم و دیگر نمی‌خواهم با این مرد زندگی کنم. باتوجه به عدم توافق آنها، کیفرخواست پرونده صادر و مادر این کودک در دادگاه به قصاص محکوم شد و پرونده برای اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرا ارجاع داده شد. اینها ناگفته‌های پرونده است، در مرحله اجرای احکام زمانی که خانم دید تا قصاص فاصله‌ای ندارد در این مرحله با همسرش صحبت کرد و تعهد برای زندگی مشترک داد و آقا هم از قصاص گذشت کرد. باتوجه به اینکه مدتی در زندان بود پرونده مجدد برای رسیدگی از جنبه عمومی جرم به دادگاه ارسال شد و مدت حبسی که برای او در نظر گرفته شد تقریباً با مدت زمانی که در زندان بود، یکی و خانم از زندان آزاد شد. جالب‌تر اینجاست که چند وقت بعد از این اتفاق خانم و آقا با یک جعبه شیرینی پیش من آمدند و صاحب فرزندی هم شده بودند. در واقع یک پرونده تلخ با یک فرجام شیرین پایان یافت.

آیا صحنه قتلی رفته‌اید که در ذهن‌تان حک شده باشد؟

ابتدا این را بگویم که در یک تقسیم‌بندی کلی دو نوع قتل داریم: قتل با برنامه‌ریزی قبلی و قتل لحظه‌ای. پرونده‌ای داشتیم حول و حوش ساعت یک و نیم یا دو نیمه شب خبری از پلیس اعلام شد مردی همسرش را کشته و به پلیس ۱۱۰ هم اعلام کرده که همسرم را کشته‌ام. به نظر پرونده راحتی بود چون متهم حاضر بود و اعتراف هم کرده بود.

در پرونده‌های قتل برای اینکه یک پرونده را پیگیری و تحقیق کنیم چند کارگروه در لحظه تشکیل می‌شود که یک کارگروه بازپرس کشیک قتل است که از طرف دادسرا می‌رود، یک کارگروه، پزشکی قانونی است که از طرف پزشکی قانونی تهران و سالن تشریح می‌روند یک کار گروه هم کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی (اداره قتل) و یک کار گروه هم، بررسی صحنه جرم است که از اداره تشخیص هویت اداره آگاهی می‌رود و هماهنگی این کارگروه‌ها، با بازپرس ویژه قتل است. علاوه بر این‌ها، کلانتری محل هم برای حفظ نظم و امنیت و آرامش محل باید باشد.

در پرونده‌ای که قاتل و مقتول حاضر و همه چی مهیا بود چه اتفاقی افتاد که در ذهن‌تان ماند نی شد؟

بله همه چیز آماده بود، کلانتری در محل متهم را بازداشت کرده بود و ما باید از او تحقیق می‌کردیم. یک ساعت و نیم بعد از اعلام، ما به صحنه رسیدیم. آن موقع من یک پسر ۸ ماهه داشتم و بچه‌داری را تا حدودی بلد بودم. وقتی به محل قتل رسیدم، دیدم یک دختر بچه حدود ۸ ماهه آنجا افتاده است. مستقیم رفتم سمت بچه و دیدم که اصلاً توانی در بدن ندارد. حادثه قتل مادرش حدود ساعت ۷ شب رخ داده بود و وقتی ما به محل رسیدیم حدود ۳نصفه شب بود و دیدم بچه به زور نفس می‌کشد و گریه می‌کند و صدایش اصلاً در نمی‌آمد. بچه را بغل کردم و آن موقع نیمه شب در ساختمان بالا و پایین می‌رفتم و می‌پرسیدم کسی بچه نوزاد دارد که بتواند به این بچه شیر بدهد یا به او رسیدگی کند چون در خانه شیر خشک و شیشه شیر حتی آب قندی هم نبود. پیرمردی از یکی از واحدها بیرون آمد و گفت همسایه یکی از طبقات بچه کوچک دارند. زنگ در خانه را زدیم و از آن خانم خواستیم که به بچه شیر بدهد. بعد دختر بچه را گرفتم و چون کسی را در تهران نداشتند که بچه را به آنها بدهیم خودم دختر ک را نگه داشتم من از متهم تحقیق کردم و کار که تمام شد من ماندم و یک کودک. طبق قانون باید بچه تحویل بهزیستی می‌شد که خودم در مسیر از داروخانه برایش شیر خشک و شیشه شیر خریدم و او را به دادسرا بردم تا با بهزیستی هماهنگ کنیم که بچه را تحویل بگیرند و بالاخره بعد از چند ساعت بچه را تحویل دادم و چند روز بعد هم خانواده اش آمدند و او را تحویل گرفتند و من هم با گذشت سال‌ها از اینکه توانستم این بچه را نجات دهم، خوشحالم .



بعد از سال‌ها کار روی پرونده‌های جنایی چه توصیه‌ای برای پیشگیری و کاهش وقوع قتل دارید؟

باتوجه به تجربه‌ای که در این زمینه داشتم دوست دارم این را بگویم تا مردم بدانند در یک جمله قتل ناشی از عصبانیت است. قتل جرمی است که در ۹۰ درصد موارد یک عصبانیت و به هم ریختگی ذهنی باعث وقوع قتل می‌شود. ما قتل‌هایی داریم که به حدی سر مسائل پیش پا افتاده و تا حدودی به شکل مسخره رخ داده که باید برایش گریه کرد. قتل سر جای پارک خودرو، سر حرف نامربوط، یک نگاه چپ یک کلمه نامربوط و... فکر کنید طرف می‌خواسته خودرویش را پارک کند یک نفر دیگر آنجا پارک کرده و با قفل فرمان قتل رخ داده در حالی که همین اتفاق را می‌شد با کمی تحمل و تأمل یا گفت‌وگو حلش کرد ولی به یک جنایت منتهی شده و بزرگ‌ترین جرم موجود در جامعه بشری را مرتکب شده است. توصیه می‌کنم تمرین کنیم تا سعه صدر داشته باشیم و صبر را یاد بگیریم. این‌هایی که قتل انجام داده‌اند آدم‌های عجیب و غریبی نبودند، مثل ما بودند و مثل ما زندگی می‌کردند، مثل ما نفس می‌کشیدند. مثل ما غذا می‌خوردند. صبح سر کار رفته بودند و شب قاتل شدند. سر عصبانیت. خیلی عجیب است بعد از اینکه این افراد قتل انجام دادند، خیلی‌ها فکر می‌کردند اگر این فرد را بکشیم دیگر راحت می‌شویم و حال‌مان خوب می‌شود. جالب اینجاست که بعد از قتل، پشیمانی به سراغ این افراد می‌آید. وقتی به قصاص محکوم می‌شوند التماس می‌کنند که ما را از این کابوس نجات دهید، نمی‌توانیم دیگر زندگی کنیم. حتی اگر رضایت هم دهند دیگر این فرد آدم قبلی نمی‌شود. پیشنهاد من این است که مسئولان در کتاب درسی بچه‌ها، در دانشگاه یک واحد درسی بگذارند به‌عنوان مهارت‌های زندگی. بچه‌ها از کودکی باید یاد بگیرند، صبر کنند و خشم خود را کنترل کنند تا بعدها انگ قاتل بودن به آنها نخورد.

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۹۱۷۸

جدول عادی

افقی

۱- شادی- تاراج کننده
۲- زیبا- پنهان‌سازی- زرنگ و متقلب
۳- پایین- ناگزیر و درمانده- محافظین ویژه
۴- ذوق شخصی- غذای مریض- اهل شوخی نیست!- مشک و کیسه
۵- انتها، آخر- کننده کار- هم‌خانه
۶- غذایی خوشمزه- پاکدامنی- سهو و غلط
۷- عشوه- یار «لورل»- وارسی و بازبینی
۸- خجستگی- جمع سانحه- حافظه قابل حمل کامپیوتری
۹- فرمانروایی، سروری- پهلوان ایران در زمان کاووس- خاورشناس آلمانی
۱۰- تخصصی- رفع دلخوری و کدورت- سال تحصیلی
۱۱- یار «فرهاد»- آرزوها- امر به ساییدن
۱۲- اندرون دهان- جالباسی- برج کج- رایانه کیفی
۱۳- ذات و ماهیت- فیلمی از یوسف حاتمی کیا (۱۴۰۵)- سرپرست و قیم
۱۴- داروها- سنگ معدنی- ساکت
۱۵- سززن- نامزد انتخاباتی

عمودی

۱- استان پُر برکت ایران- شهر پسته در استان کرمان
۲- بهانه- شریعت، کیش- ورزش رزمی
۳- سفید مات- امتحان- در آن غوطه‌وریم
۴- آب کردن- زندان پرنده!- اطراف دهان- پشت سر هم
۵- ایراد- سراپرده، داربست- نفس چاق
۶- گل و لجن- از اهالی مطبوعات- عاشق
۷- سردخانه منزل- جارو کردن- زینت جیب آقا!
۸- آشکارا- فقر- نیروگاه شمال
۹- مخفف چاره- ضد «درآمد»- کومه و کلبه چوبی
۱۰- یورش و حمله- فرمانروا- دورویی
۱۱- اشاره به دور- یار دفتر!- راهنمایی کردن
۱۲- مسری- مارکی بر لباسشویی- رشته‌کوه اروپا- نام آذری
۱۳- دیدار کردن- دزدیدن- پارچه پُرسوراخ!
۱۴- اسم دخترانه- از محلات قدیمی تهران واقع در شمال شرقی میدان آزادی- پیش‌غذا
۱۵- علامت جذر- چرخبال و طیاره

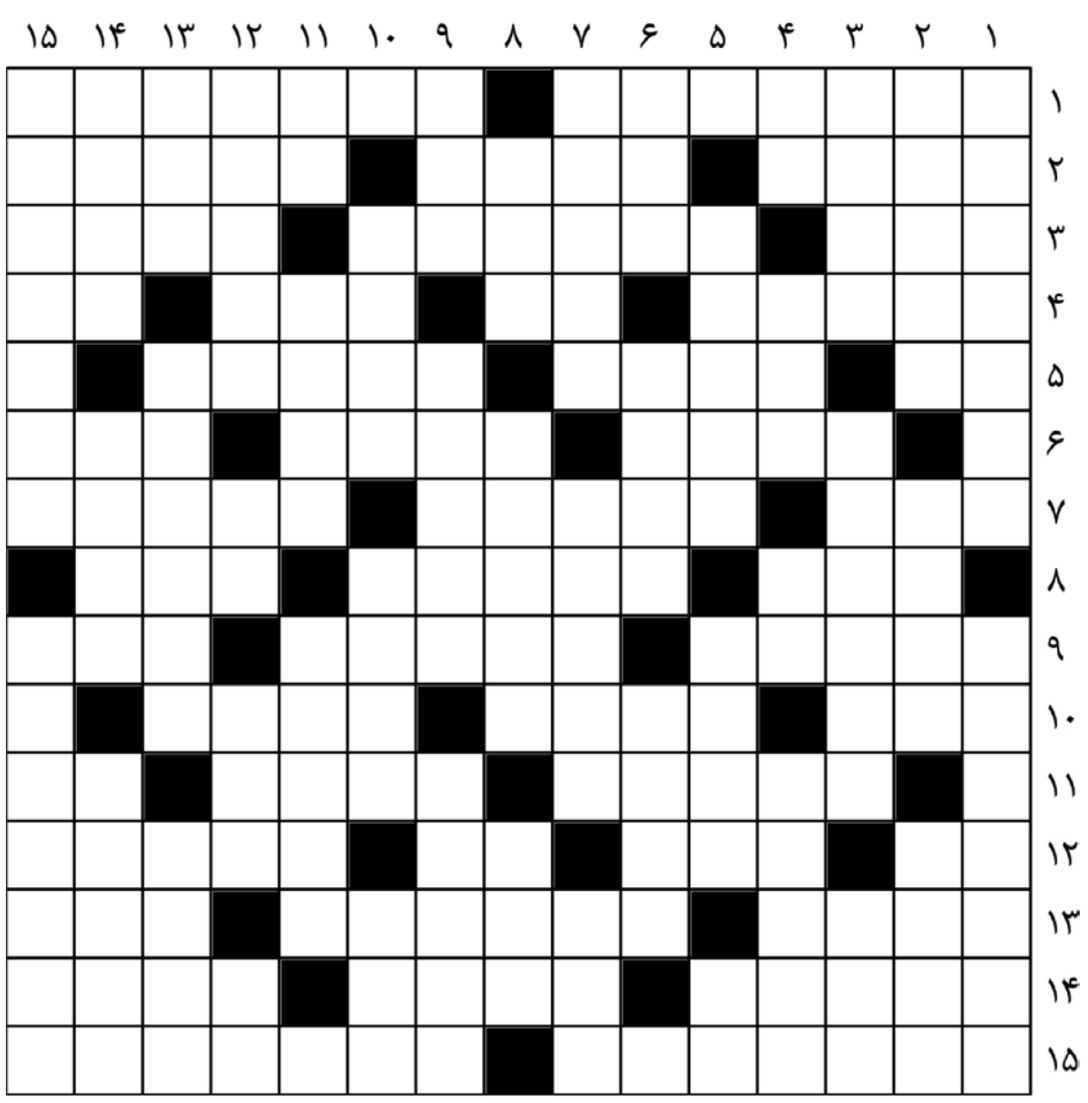
جدول ویژه

افقی

۱- سرمربی سابق تراکتور- سریالی با حضور «آتیلا پسیانی» فقید
۲- قبض و حواله- سنت و خُلق‌وخو- بزرگواران
۳- گرد و چاق- لقب ضحاک- شیرینی پیچی
۴- در برابر در خروجی- سودای ناله- نوعی ورزش- نفوذ به یک سیستم کامپیوتری
۵- مظهر لاغری- مدرسه‌های سبک قدیم- اعتبار
۶- از درختان- درآمد بادآورده‌ای که از انتقال درآمد دیگران به خود حاصل می‌شود- روی سینه و شکم دراز کشیده
۷- تکان خوردن- نوظهور- بانگ و فریاد کردن
۸- رشته شمشیربازی- اصطلاحی در فوتبال- نظیر
۹- هر فصل فیلم- پایتخت فراعنه- صدای کافی
۱۰- سرپرستار- گنبد آب- بیماری فصل سرما
۱۱- دوری از یار- سرپرست اصطبل- اثر «ماتیسن»
۱۲- چرک- فتح و ظفر- جامد- کمک‌رسانی
۱۳- جناح لشکر- شکستگی- گریه بچه
۱۴- بایگانی- شخصیت کارتونی- خودروساز ژاپنی
۱۵- جزیره «ژاپن»- از آبشارهای روستای «لار» زنجان

عمودی

۱- مرکز «بنین»- محله‌ای در شیراز
۲- افشانه- گلر سابق «تاتنهام»- یار «شیرین»
۳- واحد وزن- مارمولک- مروارید چشم
۴- از بت‌های جاهلیت- خاکروبه- نفس آدم چاق- یک زبان برنامه‌نویسی پویا و سطح بالا
۵- آرایش صورت- اولین غذای روزه‌دار- او
۶- شبانگاه- رفت و آمد- مقابل «پایین»
۷- از توابع سوادکوه- بیماری زردی- رشد کردن
۸- صف- ماده‌ای در پزشکی- تیر عمود بر عرشه کشتی
۹- دستاویز- زن صومعه‌نشین- پیکر
۱۰- نیک‌فالی- گاه بر اندام افتد- درخت جنگلی
۱۱- ضمیر جمع- نردبان- واحد زمین کشاورزی
۱۲- سکه طلای قرن یازدهم- پول «آلبانی»- علامت- مگر ادیبانه!
۱۳- برنامه رایت سی دی- ماده‌ای گندزدا- جهنم
۱۴- وسیله صاف کردن ملات بر دیوار یا کف- ظریف و قشنگ- خرس چینی
۱۵- مازوت- اثر «داستایوسکی»



حل جدول عادی شماره ۹۱۷۷

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	پ	ا	ش	ن	ه	■	ب	ا	ر	و	ن	ب	ن	ی	ل
۲	ا	ن	ه	■	ق	و	ا	ن	ی	ن	■	گ	ی	س	و
۳	ت	ب	ی	ن	■	ش	م	ا	ل	■	ز	ا	گ	ر	ب
۴	خ	ر	ن	ا	س	■	ب	ر	■	ت	ک	ر	■	ر	ی
۵	ت	ک	■	ه	ن	د	و	■	ی	و	ا	ش	■	چ	ا
۶	ی	■	خ	م	ا	ر	■	ت	ا	ل	م	■	ت	ی	پ
۷	■	ک	ا	و	■	ب	ه	ب	و	د	■	ن	و	ب	ل
۸	د	ر	م	ا	ن	■	ن	ص	ر	■	چ	ی	م	ب	و
۹	ر	ا	و	ر	■	س	ر	ر	ی	ز	■	ک	ا	ر	■
۱۰	ا	ی	ش	■	چ	ن	چ	ه	■	ش	گ	و	ن	■	ن
۱۱	م	ه	■	ب	د	ب	و	■	ا	ت	ر	ک	■	ا	ا
۱۲	ا	■	ه	ل	ا	ل	■	ی	ک	■	م	ا	چ	ر	ا
۱۳	ت	ی	م	و	ر	■	چ	ا	س	ک	■	ر	ا	س	م
۱۴	ی	ک	س	ر	■	ک	ه	ر	ی	ز	ک	■	و	ا	ی
۱۵	ک	ا	ر	ی	ک	ا	ت	و	ر	■	س	ر	ا	م	د

حل جدول ویژه شماره ۹۱۷۷

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ت	ا	د	ا	ل	ی	س	■	پ	ن	ا	ب	ه	ه	ا
۲	ا	ب	■	ی	ر	ا	ن	ی	م	ه	■	ا	ح	س	ا
۳	ب	ا	ر	م	■	ز	ر	ن	گ	■	پ	س	ت	چ	ی
۴	و	ی	و	ل	ن	■	ک	و	■	س	ی	ن	ه	■	ب
۵	ر	ی	■	ا	ن	ی	س	■	ر	ح	م	ت	■	ب	ی
۶	ه	■	ب	ل	و	ک	■	پ	ا	ش	ا	■	گ	ن	گ
۷	■	ل	و	ا	■	ا	ی	ر	ن	ا	■	م	ل	ا	ل
۸	پ	ی	ت	و	ن	■	گ	و	د	■	ر	و	ا	ر	و
۹	ی	س	ا	ر	■	ک	ا	ر	ه	ا	■	ن	ر	س	■
۱۰	ش	ا	ن	■	ر	ا	ن	ش	■	ل	ق	و	ه	■	ر
۱۱	ی	ر	■	خ	ی	م	ه	■	ت	م	و	ل	■	د	ز
۱۲	م	■	ن	و	و	ل	■	غ	و	■	س	و	گ	ل	ی
۱۳	ی	ل	م	ا	ن	■	ه	م	ا	ن	■	گ	ش	ا	د
۱۴	ش	ا	ن	ه	■	د	ل	ز	ن	د	ه	■	ت	ر	ن
۱۵	ی	ک	م	ر	د	ت	ن	ه	ا	■	س	و	ن	ا	ت